



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۷/۳۱



رفعت حسینی

قصه از بیتاب:

فیلسوف! وحدت الوجودی!

عبدالقادربیدل یک رباعی بسیار ساده دارد که بر معیار و قانون دانش ریاضی استوار می باشد مگر بران رنگ عرفان اسلامی مالیده اند و بنابر احکام! غیر عقلانی برخی آدمها، بیدل بدان سبب «فیلسوف» و آنها را با مفاسل و استخوان های نیرومند و جسیم می باشد.

رباعی بیدل:

هر چیز که خواهی عددش گیر دوبار

یک ساز زیاده و سه چندش بشمار

بعد از تقسیم به شش هر آنچه باقی ماند

در ۲۲ ضرب کن الله برار

هر نکته بی و یا شعری را تاپهء (عرفانی) زدن عقلانی نیست.

بر مبنای شعری از عبدالحق بیتاب، می توان، بادل آوری و با برهان ثقهء دانش {مثبت} حساب (ریاضی) سخن زدوگفت:

بیتاب مثل بیدل فیلسوف! است. بیتاب خودش، بجای الله، برای اثبات بینش وحدت الوجودی برهان است. عبدالقادربیدل {فیلسوفی!} بود که از الله گفت و بیتاب {فیلسوفی!} است که از خود (از بیتاب) می گوید.

بیتاب به صوفی مشهور می باشد. لقب رسمی و {شرعی!} «ملک الشعرا» را نیز، منطق شیوهء زمامداری بر مردم در خاکستان افغانستان، برای روز مبادا و ضرورت، بر تختهء پشت نامش، چون پلستر شرش نموده بود.

شعر بیتاب مگر با دلیل عقلانی متکی بر علم ریاضیات می باشد.

این رباعی همسان رباعی بیدل است با این تفاوت که بجای (الله برار) بیدل، میگوید: بیتاب برار!

مگر چی فرق می کند. بینش وحدت و وجودی همان وحدت و وجودی می باشد!

وزاده از خدا خودش در واقع خداست.

با این رباعی بجای ابوالمعانی !!! بیدل بزرگ!! بیتاب { فیلسوف و رجوند اسلامی وحدت الوجودی!!} میباشد. بر منکرش لعنت.

بیتاب چنین کشف نموده است:

هر چیز که خواهی عددش کن تکرار

یک ساز زیاده پنج چندش بشمار

برده بنما قسمت و پس باقی آن

کن ضرب به هشتاد و سه بیتاب برار

و درینجا همانگونه که در نیشتهء «بیدل از دریچه وحدت و وجودی» «گفتم، شایستهء یادآوری می دانم که این رباعی پیچیده و بیگانه با فهم نیست. تشریح یک آدم آگاه در ریاضی را بار دیگر تذکر میدهم:

بیدل ستائی یا بیدل شناسی

تبصره در باره یک رباعی ابوالمعانی بیدل

هر چیز که خواهی عددش گیر دو بار

یک بر سر آن بنه و سه چند شمار

تقسیم به شش کن آنچه باقی ماند

در بیست و دو ضرب کن و الله برار

در بین رباعی بیدل سراپا دل خود را مشغول شمارش قیمت ابجدی اشیا ساخته و با عملیه ضرب و جمع و تقسیم همه قیمت ها را به قیمت واحدی که عدد ۶۶ است بر می گرداند. کلمه مبارکه « الله » به حساب ابجد ۶۶ می شود چون قیمت الف ۱ و قیمت ۲ لام ۶۰ و قیمت حرف ه ؛ ه ۵ است که مجموعن ۶۶ می شود. در صفحه بیدل در نگاه جوانان خواندم که جناب حمیدالله بر لاس ادعا دارد که بیدل صاحب بدین وسیله نه تنها وحدانیت خداوند یکتا را ثابت کرده بلکه حقانیت دید گاه وحدت الوجود را باثبات رسانیده است. نمی دانم شگفت زدگی ایشان ناشی از چیست. برای توضیح مطلب آنچه را که دوست پر کار و هنرمند ما امپراطور عزیز درج صفحه نموده است، در پیشاپیش ارزیابی خود قرار می دهم و یک بار دیگر توجه دوستان ، علی الخصوص توجه جوانان گرامی را به عرض مختصر خویش جلب می نمایم. اینک نقل قول: "رباعی شگفت انگیز حضرت ابوالمعانی بیدل Von احمد محمود امپراطور in بیدل در نگاه جوانان Bedel dar negahe jawanan · Dokument bearbeiten اینجا يك رباعی شگفت انگیز ابوالمعانی بیدل را که از فیلسوفان وحدت الوجودی است، برای اثبات فلسفه وحدت و الوجود و وحدانیت خداوند جل شأنه میباید، می آوریم که از تماماً موجودات و مظاهر و پدیده های که در کون و مکان است و از نور و نفس رحمانی و روح مطلق او تعالی منشعب شده است و از اسمای شان اسم (الله) استخراج میگردد. هر چیز که خواهی عدش گیر دو بار يك بر سر آن بنه و سه چند شمار تقسیم به شش کن آنچه باقی ماند در بیست و دو ضرب کن و الله برار کلمه الله که عبارت از ۱ - الف - دو لام و ه - است به حساب ابجد الف يك - لام سي - و ه - جمله عدد آن که (۱+۳+۳۰+۵) میباشد میشود (۶۶) اکنون بر روی این فورمول محاسبه می نمایم. مثلاً: کتاب را که کلمه چهار حرفی است، انتخاب می کنیم. و آنرا ضرب ۲ کنیم میشود ۸ - يك بر آن علاوه می کنیم ۹ میشود و به ۳ ضرب کنیم بیست و هفت میشود و به شش تقسیم نماییم سه باقی میماند. و سه را به بیست و دو ضرب کنیم عدد شصت و شش که جمع کلمه (الله) است حاصل میشود. و یا کلمه کتاب به حساب ابجد که (ك) ۲۰، (ت) ۴۰۰، (الف) ۱ و (ب) ۲ جمله (۴۲۳) میشود آنرا دو چند بگیریم (۸۴۳) میشود و يك علاوه کنیم (۸۴۷) و سه چند نماییم (۲۵۴۱) بدست می آید. و به شش تقسیم نمایم، عدد سه باقی مانده که سه را به بیست و دو ضرب کنیم عدد (۶۶) که جمع حروف (الله) است حاصل میشود. و یا کلمه انسان را که پنج حرفی است، آنرا به دو ضرب کنیم (۱۰) میشود و (۱) علاوه کنیم (۱۱) به (۳) ضرب کنیم (۳۳) تقسیم (۶) ، (۳) باقی می ماند که به (۲۲) ضرب شود، جمله (۶۶) که جمع حروف (الله) است حاصل میشود. و همچنان کلمه انسان به حساب ابجد (۱۶۲) است که دو چند آن (۳۲۴) و يك علاوه کرده (۳۲۵) به سه ضرب کنیم (۹۷۵) تقسیم (۶)، سه باقی میماند که ضرب (۲۲) نمایم عدد (۶۶) حاصل میشود. و یا تلیفون که اسم شش حرفی است آنرا به دو ضرب کنیم دوازده و يك علاوه کنیم ، سیزده، و به سه ضرب کنیم سی و نه که به شش تقسیم شود، سه باقی میماند و سه را به بیست دو ضرب نمایم حال آن (۶۶) می شود. و همچنان به حساب ابجد محاسبه نمایم عین معامله میشود. و یا افغانستان که کلمه نه حرفی است به دو ضرب نمایم هیجده، و يك علاوه کنیم نوزده، و به سه ضرب نمایم پنجاه و هفت که به شش تقسیم شود، سه باقی می ماند که به بیست دو ضرب گردد، همان عدد (۶۶) حاصل میشود. همچنان هر اسم موجودات خلقت را چه موجود طبیعی باشد و چه فنی و صنعتی و یا سماوی انتخاب نمایم با عملیه فورمول فوق رباعی ابوالمعانی بیدل عدد شصت و شش که کلمه (الله) است حاصل می شود و وحدت الوجود ثابت میشود از کتاب بیوگرافی بیدل و گوشه از افکار وی نوشته حمیدالله بر لاس. " در عملیه حسابی بالا فقط کسی بهت زده می شود که در ریاضیات ضعیف باشد. لطف اندکی دقت کنید: با ضرب کردن یک عدد تام فرضی بغیر از صفر با اعداد دو و سه ، حاصل ضرب آماده تقسیم بر ۶ میشود و چون عدد ۱ نیز افزوده می شود باقیمانده همیشه عدد ۳ است. و حاصل ضرب ۳ و ۲۲ هم همیشه ۶۶! هر چیز که خواهی عدش گیر دو بار يك بر سر آن بنه و سه چند شمار اگر خواسته باشیم جملات بالا را به زبان ریاضی بنویسیم به این نتیجه می رسیم: $2a+3 = 1a+3$ ، تقسیم به شش کن! $6a$ به صورت کامل قابل تقسیم است! درست؟ آنچه باقی ماند عدد ۳ ست. در ۲۲ ضرب کن و ۶۶ برآر! نتیجه منطقی: تک تک ابیاتی را که در کلیات ابوالمعانی بیدل گنجانیده اند، نباید یکسره عرفانی بنامیم. حضرت ابوالمعانی بیدل یکی از پر کار ترین اندشمندان و شاعران جهان بشریت است. در دیوانش از هر دست سروده یافت می شود از قبیل صنایع ادبی ، لغز و معما گویی، هزلیات ، طنز و ... خود حضرت بیدل هیچ گاهی ادعای همه دانی نکرده است.»

نتیجه منطقی: تک تک ابیاتی را که در کلیات بیدل گنجانیده اند، نباید یکسره عرفانی بنامیم....